

Unit 1

applicator (n.)	قطره چکان- افشانه
audience (n.)	حُضار
avid (adj.)	مشتاق- علاقمند
brainstorming (n.)	مشکل گشایی گروهی (جلسه ای که در آن افراد مختلف با تخصص های گوناگون دور هم جمع شده و راه کارهای مختلف در مورد یک مسئله یا مشکل را ارائه می دهند)
break out (v.)	(آتش سوزی، جنگ و...) رخ دادن
bring about (v.)	موجب شدن- سبب شدن
broker (n.)	دلال
bunsen burner (n.)	چراغ بونزن (چراغ گازی کوچک)
burr (n.)	خار- تیغ
caption (n.)	توضیح زیر عکس- شرح- زیرنویس
carry out (v.)	انجام دادن
catch on (v.)	مُشدن- متداول شدن
come up with (v.)	تدبیر کردن- یافتن (یافتن راه حل جدید)
condense (v.)	غلیظ کردن
convincing (adj.)	متقاعد کننده
crucial (adj.)	بسیار مهم- حیاتی- سرنوشت ساز
crunch (n.)	صدای خرد کردن چیزی زیر دندان (مثلاً: صدای قرچ قرچ چپیس)
cut down (v.)	کاستن- کم کردن
decor (or décor) (n.)	دکور
do without (v.)	بدون وجود چیزی به سر بردن
dream up (v.)	در سر پروراندن- خیال پردازی کردن
dropout (n.)	کسی که ترک تحصیل میکند
earmuffs (n.)	گوش پوش (که برای محافظت گوش ها در سرما بکار میرود)
eureka (interj.)	یافتم! (جمله ای که ارشمیدس هنگام کشف طریق سنجش خلوص طلا گفت)
flap (n.)	پرده (پرده ی نازکی از پوست زخم را پوشاند) در (در این پاکت پاره شده است)
foil (n.)	ورقه ی نازک فلزی
Frisbee (n.)	(اسباب بازی) بشقاب پرنده
frostbitten (adj.)	سرما زده
genius (n.)	نابغه
get away with (v.)	قید در رفتن- گیر نیفتادن
get rid of (exp.)	خلاص شدن از
gizmo (n.)	وسیله ی انجام هر کار- اسباب
go along with (v.)	موافقت کردن
goggles (n.)	عینک ایمنی
goose (n.)	غاز
heap (n.)	توده (مثلاً: توده ی آشغال)
homemaker (n.)	کدبانو- اداره کننده خانه
hook (n.)	چنگک (اویز لباس)
incident (n.)	رویداد- حادثه- واقعه
inspiration (n.)	الهام
intake [+of] (v.)	مقدار (ویتامین، چربی و...) ورودی
involve (v.)	مربوط بودن به- شامل بودن
junk (n.)	خرت و پرت- ات و آشغال
keep up with (v.)	پا به پای کسی یا چیزی رفتن - عقب نیافتادن
marketing (n.)	بازاریابی
nick (n.)	خراش- بریدگی
pass up (v.)	(فرصت و...) غنیمت نشمردن- نپذیرفتن
perspiration (n.)	عرق (بدن)
put together (v.)	مونتاز کردن

put up with (v.)	تحمل کردن- (با کسی یا چیزی) ساختن
quotation (n.)	صورت قیمت
stock ticker (n.)	دستگاه دریافت تلگراف که بطور اتوماتیک گزارشات مربوط به فروش، قیمت ها و... را در یک نوار ضبط میکند
set up (v.)	دایر کردن- برپا کردن (آماده کردن)
show off (v.)	پُر دادن- خود نمایی کردن
solar (adj.)	خورشیدی (مثلاً: صفحات خورشیدی)
spot [+of] (n.)	لکه (دانه های رنگی)
stick with (v.)	ادامه دادن (به مصرف ، انجام و...)
storage (n.)	ذخیره سازی
tenacity (n.)	یکدنگی- سرسختی- مقاومت
think back (v.)	به حوادث گذشته فکر کردن
think up (v.)	از خود در آوردن- ابداع کردن
toss (v.)	پرت کردن- بالا انداختن
transmitter (n.)	فرستنده (رادیویی)
try out (v.)	(با بکار بردن) آزمودن- امتحان کردن
turn down (v.)	رد کردن- قبول نکردن
Velcro (n.)	نوعی پارچه ی کشی
workbook	
attitude (n.)	نگرش- گرایش
with attitude	عجیب و غریب (در عین حال جذاب)
bumper (n.)	سیر
call off (v.)	کنسل کردن- به بعد موکول کردن
compass (n.)	قطب نما
consistency (n.)	استحکام- ثبات- انسجام
equation (n.)	معادله ی ریاضی
get across (v.)	تفہیم کردن
hold on to (v.)	محکم گرفتن
outlet (n.)	پریز برق
panic (v.)	(وحشت زده یا) هراس زده کردن
rain down (v.)	باریدن (سقوط تند و پیاپی) (مثلاً: بمب های دشمن مثل باران بر شهر می بارید)
rod (n.)	میله (مثلاً: میله (یا چوب) پرده)
shatter (v.)	(در اثر ضربه و...) خرد کردن
shattered (adj.)	متلاشی- خسته
splash (v.)	شلپ شلوپ کردن (با راه رفتن در آب)
string (n.)	نخ
warden (n.)	رئیس زندان
woodshed (n.)	انبار هیزم
work out (v.)	دانستن (مثلاً: من نمیدونم چیکار کنم؟)